بسیج امام
فانوس
۸۰
در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی
شماره هشتادم / تابستان ۱۴۰۴



نظام سلطه تربیتی

گفتاری از حجة‌الاسلام والمسلمین تراشیون
پیرامون اقدامات تربیتی و مکمل بین هیأت و مدرسه

فانوس ـ در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی
شماره هشتادم، تابستان ۱۴۰۴
نظام سلطه تربیتی
گفتاری از حجت‌الاسلام و المسلمین تراشیون پیرامون اقدامات تربیتی و مکمّل بین هیأت و مدرسه؛ شانزدهمین همایش ملی هیأت‌های محوری و برگزیده کشور، آبان‌ماه۱۴۰۱؛ جمکران، مجتمع یاوران مهدی
تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد: علی ناصری
صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر
قم ـ کد پستی: ۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org
رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

فلسفه خلقت انسان، تربیت دینی است، لذا قرآن به عنوان بزرگترین معجزه خداوند، کتاب تربیت است و آن عبودیت و بندگی که در قرآن به عنوان هدف خلقت معرفی شده؛ «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ»[1] جز با تربیت دینی، محقق نمی‌گردد.

یکی از حقایق غیرقابل انکار، وجود نظام سلطه است که بسیاری از جوامع اسلامی تحت سیطره آن قرار گرفته‌اند، امّا این سلطه فقط منحصر به مباحث سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیست، بلکه یکی از سلطه‌هایی که به عنوان سلطه‌های پنهان از آن یاد می‌شود، نظام سلطه تربیتی است؛ به این صورت که نظام سلطه به دنبال افکارسازی و تربیت نسل‌های

۱. ذاریات، ۵۶.

بشـر با ابزار رسـانه و تضعیف جایگاه گروه‌های مرجع تربیتی مثل والدین، مساجد، مدارس و.... با میدان‌داری جریان‌هایی تحت عنوان سلبریتی می‌باشد.

متن پیـش‌رو حاصـل سـخنان حجت‌الاسلام تـراشیون، پیـرامون تـبیین سـلطه تربیتی و آسیب‌های مترتب بر آن و راه‌های برون‌رفت از آن می‌باشـد که در شـانزدهمین همایش ملی هیأت‌های محوری و برگزیده کشور در قم ایراد گردیده است.



سلطه تربیتی

تصور ما از نظام سلطه، فقط سلطه فرهنگی، نظامی و اقتصادی است ولی من می‌خواهم امروز یک رونمایی جدیدی از سلطه داشته باشم که شاید کمتر درباره این نحوه از سلطه صحبت شده باشد.

یکی از سلطه‌هایی که در این دهه‌های اخیر در حال رخ دادن است، سلطه تربیتی می‌باشد؛ یعنی ما امروزه در دنیای معاصر علاوه بر دیگر سلطه‌ها، یک سلطه‌گری تربیتی هم داریم که ما نسبت به آن غافلیم.

امروز در دنیای معاصر ما، سلطه‌گرها آن‌قدر جسور شده‌اند که می‌گویند حتی اسم این نسل‌های شما را ما می‌گذاریم و عملا هم برای نسل‌هایی که در چهار دوره اخیر شکل گرفته‌اند اسم‌گذاری کرده‌اند، مثلاً بچه‌های دوره شصت و اواخر پنجاه را نسل Y می‌نامند

و بعد از آن‌ها تا قبل از هشتاد را نسل هزاره و دهه هشتادی‌های ما را نسل Z می‌گویند و دهه نودی‌ها را هم نسل آلفا نامیدند و علت این کار هم به نوعی تسلط فکری بر نسل‌ها می‌باشد و نتیجه آن این است که حد و شأن گروه‌های مرجع تربیتی مثل والدین، مساجد، مدارس و رسانه‌ها و.... را در جامعه دینی پایین می‌آورند و این‌گونه القاء می‌کنند که نسل امروز نباید به این‌ها توجه کند و باید توجهش تحت سیطره افکار آن‌ها باشد، لذا شاهدیم که امروزه شأن پدر و مادر در خانواده، در حد یک تأمین‌کننده نیاز زیستی پایین آمده؛ به این معنی که پدر را در حد یک عابر بانک می‌بینند و مادرها را هم در حد نیروی خدماتی و سرویس‌دهنده در خانه به حساب می‌آورند.

ما باید بین بچه‌هایمان و حیوانات فرق بگذاریم، حیوان همه همتش شکمش است و هر وقت سیر بشود کارش تمام می‌شود، اما بچه‌های ما انسان هستند و وقتی شکم‌شان سیر می‌شود تازه کارشان شروع می‌شود و اینجاست که نظام سلطه وارد عمل شده و پدر و مادری را که زحمت این بچه را کشیدند و خرجش را دادند، کنار می‌زند و امر تربیت آن را به امثال مهران مدیری و رامبد جوان و احسان علیخانی و جومونگ و دونگی و اسپایدر من و بن‌تن و زورو و خاله شادونه و عمو پورنگ واگذار می‌کنند و همه چیز مطابق همان پیش می‌رود که نظام سلطه می‌خواهد و بر همین اساس نسلی به وجود می‌آید که تمام ویژگی‌هایش، همانی می‌شود که نظام سلطه اراده کرده و ما حواس‌مان نبوده است.

اصلاح سیستم آموزشی

امروز در مدرسه‌های ما چه اتفاقی می‌افتد؟ یک دانش‌آموزی که در سیستم آموزشی و در مدارس ما، دوره دوازده ساله را گذرانده و تمام کتب آن را خوانده و دروسش را پاس کرده است، اگر تجربه بیرونی نداشته باشد و فقط به همین سیستم آموزشی اکتفاء کرده باشد، قطعاً از عهده امورش برنمی‌آید؛ نمی‌تواند شوهرداری کند، نمی‌تواند زن‌داری کند، نمی‌تواند زندگی‌اش را اداره کند، زیرا این سیستم آموزشی یک سیستم کاملاً تئوریک است؛ مثلا همین جدول مندلیف در شیمی که چند سال ذهن بچه‌های ما درگیر آن است، در کجای زندگی آن‌ها به کار می‌آید؟ آیا تاحالا اتفاق افتاده است که خانمی بگوید: نور به قبر مندلیف ببارد که با این طبقه‌بندی دوم عناصرش، مشکل من را با مادرشوهرم حل کرد و یا کسی بگوید که قضیه فیثاغورس؛ مشکل لجبازی بچه من را برطرف کرد. به هر بخشی از آن

توجه می‌کنیم، می‌بینیم که هیچ نقشی در زندگی ما ندارد، لذا حضرت آقا سالیان سال است که این مسئله را به عنوان یکی از دغدغه‌هایش مطرح می‌کند و می‌فرماید که این سیستم آموزش و پرورش ما یک سیستم کاربردی نیست و کارایی ندارد و نیازمند اصلاحات است. ایشان اصلاً این نظام آموزش و پرورش را وارداتی می‌خواند؛ زیرا سیستم موجود ابتداءً از فرانسه وارد شده و بر اساس الگوی اسلامی و مبتنی بر تمدن ایرانی طراحی نشده است.

حضرت آقا فرمودند این نظام آموزشی برای مخالفت و ضدیت با دین ایجاد شده، واقعاً هم همین است؛ شما امروز یک بچه را با فطرت پاک وارد این سیستم می‌کنید، به امید این‌که مطابق آموزه‌های دینی تربیت شود و اصلاً تربیت دینی یعنی احیاء و تقویت همین فطرت، اما گویا در این سیستم به جای این که روی این فطرت کار شود، فقط روی غریزه کار می‌شود که نتیجه و خروجی‌اش این است که یک بچه را با فطرت پاک تحویل می‌دهیم و یک بی‌دین و بی‌نماز تحویل می‌گیریم؛ البته من نمی‌خواهم این اشکال را متوجه معلمین بدانم، صحبت من این است که این نظام و سیستم آموزشی آن، نیاز به یک تغییر و تحول اساسی دارد؛ لذا حضرت آقا هم هر بار با فرهنگیان جلسه داشتند، پیگیر این تحول بوده‌اند.



سند تحول تربیتی

آبستنگاه و خاستگاه اغتشاشات اخیر برای یک هفته و دو هفته و شش ماه قبل نیست، بلکه نتیجه دو دهه فعالیت تربیتی و فرهنگی نظام سلطه بر روی این نسل و اهمال و کم‌کاری ما و سیستم آموزشی و هیأت‌مان است که خروجی‌اش این‌گونه ظاهر شد.

ما در این مدت، کارهایی را باید می‌کردیم که نکردیم؛ آیا ما در هیأت‌ها هویت‌دهی می‌کنیم؟ اصلاً برنامه‌ای برای هویت‌دهی به این نسل داریم؟ وظیفه ما در قبال نسل جدید چیست؟ برنامه ما برای تربیت این نسل چیست؟ در کشور ما کار فرهنگی انجام می‌شود اما به امور تربیتی پرداخته نمی‌شود؛ کار تربیتی فراتر و عمیق‌تر و به مراتب مهم‌تر از کار فرهنگی است، من به خود حضرت آقا هم عرض کردم که ما در این کشور یک سند هم در حوزه تربیت نداریم؛ یک سند تحول آموزش و پرورش و یک سند تحول تربیتی برای

نسل‌مان که بتوان به استناد به آن جلوی تخلفات تربیتی را گرفت؛ سندی که من بتوانم با آن بروم جلوی آقای احسان علیخانی را بگیرم و بگویم کاری که شما در عصر جدید کردید آمریکایی‌ها در حق ما نکردند.

اوائلی که عصر جدید پخش می‌شد، من در هیأت رزمندگان اصفهان سخنرانی نموده و این برنامه را نقد کردم و مورد انتقاد بسیاری از جوانان حتی هیأتی‌ها قرار گرفتم. بنده چندین ساعت دلسوزانه با آقای سید بشیر صحبت کردم و تذکر دادم که شما دارید با این برنامه کار را خراب‌تر می‌کنید؛ این که یک دختر جوان را بیاورید در استیج تا حرکاتی را انجام دهد که در شأن یک دختر مسلمان نیست، باعث حیازدایی از سطح جامعه می‌شوید، این که یک دختری نینجا شود و روی دیوار قدم بردارد و ملق بزند، نه هنر است و نه ورزش؛ بلکه یک عمل کاملا ضد ارزشی است. اگر جایی هم هنرمندی یک کار مذهبی و ارزشی انجام بدهد مثل آن شخصی که چهره حاج قاسم را به تصویر کشید، هیأت داوران کاملا با یک نگاه سکولار آن اثر را داوری کردند. مشکل دیگر این برنامه این است که موسیقی را در کشور ترویج می‌دهد.

شمایی که رسانه دارید و عوامل متعدد در اختیارتان هست، چقدر در راستای دغدغه‌های حضرت آقا قدم برداشتید؟ حضرت آقا چند وقت پیش در جمع دانش‌آموزان فرمودند: جهاد علمی باید در آموزش و پرورش اتفاق بیفتد؛ شما چه کمکی به جهاد علمی در دانش‌آموزان کردید؟

آسیب‌های نسل فعلی

نسـل فـعلی آسیب‌هـایی دیده که بایـد ابتدا آن‌ها را شناسـایی کنیم و بـرای برون‌رفت از آن، راهکارهایی ارائه کنیم؛ بنده به چند مورد از این آسیب‌ها اشاره می‌کنم:

* ایـن نسـل، نسـل رسـانه و فضای مجازی اسـت؛ مـا نباید فقط بـه یک دهه محرم دل‌مان را خوش کنیم؛ چون آمارهای رسمی رسـانه ما نشـان می‌دهد، ۸۷٪ ایرانیان پنج سـاعت و بیسـت و پنج دقیقه از تلویزیون اسـتفاده می‌کنند، یعنی دو روز تلویزیـون دیـدن یـک بچه با یک دهه هیأت برابری می‌کند، این قدرت رسـانه اسـت. روان‌شناسـان می‌گویند: مهم‌ترین کانال آموزش که حدود ۶۷٪ یادگیری توسـط آن شـکل می‌گیرد چشـم اسـت؛ بچه‌های ما هم روزانه چندین سـاعت مقابل رسـانه و فضای مجازی می‌نشـینند و به طور مستقیم متأثر از آن

هستند؛ بچه‌های ما در این چند ساعت چه می‌بینند؟ اگر بعد از مدتی رفتارها و تفکرات غریبی از بچه‌ها دیدیم تعجب نکنیم، وقتی که پدر و مادر در آن جایگاه اصلی خود نیستند و ترازشان در حد یک عابربانک و نیروی خدماتی بشود، پس دیگران تربیت این بچه‌ها را به عهده گرفته و روی مغز و افکار آن‌ها کار می‌کنند.

یک موقعی حضرت آقا در مشهد یک تعبیری به کار بردند و فرمودند دشمن در جنگ شناختی و هیبریدی، مثل جنگ نظامی می‌آید و بمباران می‌کند، ایشان می‌فرمودند جنگی که امروز راه افتاده مثل بمب شیمیایی است که تجهیزات را از بین نمی‌برد و فقط افکار و آدم‌ها را نابود می‌کند، امروز هم می‌بینیم که جوان‌ها از لحاظ ظاهر هیچ مشکلی ندارند و خیلی شیک‌تر از قبل هستند، اما دشمن دارد روی اذهان آن‌ها کار می‌کند و آن را تخریب می‌کند و ما نتوانستیم این کار را بکنیم.

* سلبریتی‌ها خیلی بر روی فرزندان و نسل فعلی تأثیرگذارند؛ امروز اثر یک سلبریتی بیشتر از پدر و مادر است، اخیراً بررسی‌هایی برای سنجش میزان تأثیر گروه‌های مختلف صورت گرفت، حاصل این پژوهش بیان‌گر این است

که سلبریتی‌ها بالای ۵۵ درصد در جامعه اثرگذاری دارند؛ زیرا این بچه بارها هنرنمایی آن سلبریتی و هنرمند را می‌بیند و طبیعتاً محبتش در دل او می‌نشیند و در نتیجه، آن سلبریتی ذهن بچه را بیشتر از پدرش اشغال می‌کند و تأثیرش بر ذهن آن بچه از والدینش بیشتر است؛ لذا وقتی یک سلبریتی خانمش را می‌برد کانادا تا بچه‌اش در آن‌جا به دنیا بیاید، قطعاً برای آن بچه این ذهنیت ایجاد می‌شود که تولد در کانادا بهتر از تولد در ایران است، پس نسبت به پدر و مادرش معترض می‌شود.

کم‌کم جوری روی ذهن‌شان کار می‌کنند و محور می‌شوند و تأثیرگذاری به حدی می‌رسد که آن جوان و نوجوان برای پدر و مادر تره هم خرد نمی‌کند و آن‌ها را مانع خودش می‌بیند.

* یکی دیگر از عیوب نسل فعلی ما این است که دچار یک هویت سیال شده است؛ جوانانی که به نوعی دو یا چند شخصیتی هستند، هم در اغتشاش بر علیه نظام اسلامی شرکت می‌کند و هم ممکن است در هیأت و پیاده‌روی اربعین و.... شرکت کند یا مثلا دختری که هم مسجد می‌رود و چادر سر کرده و نماز می‌خواند و هم در عروسی‌ها می‌رقصد و یا آقایی که بر اثر تبلیغات

رسانه‌ها تمایل به ملی‌گرایی پیدا کرده و از طرفی هم علاقه به اسلام دارد. پس نتیجه‌اش این می‌شود که اسم فرزندش را محمدکوروش می‌گذارد، یک اسم ملی مذهبی؛ این‌ها نمونه‌هایی از هویت سیال است که طرف دلش با خدا و پیغمبر است ولی از آن طرف هم بدش نمی‌آید. هیأتش را می‌آید و کارهای دیگرش را هم می‌کند؛ امروز رسانه‌ها چنین بلایی را سر نسل ما آورده و ثبات هویت شخصیتی که مثل شهید حججی پای اعتقادشان بمانند را از جوانان گرفته و آن‌ها را با یک هویت سیال بار می‌آورد.

قدیم‌ها می‌گفتند، فلان شخصی که در طول سال مشروب می‌خورد، دهه محرم مشروب را کنار می‌گذارد، نمی‌شود گفت که آن‌ها خوب یا بد هستند، بلکه نهایتاً باید گفت که این‌ها باور اعتقادی عمیق ندارند و هویتشان سیال است.

* یکی دیگر از معضلات نسل فعلی، فردگرایی و خودبینی است؛ این‌که فقط خودش را می‌بیند، دقیقاً همان مدلی که در سبک زندگی غرب وجود دارد، مثلا همین شعار نه غزه نه لبنان، زائیده تفکر سبک زندگی غربی است. این‌ها اگر در زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم بودند العیاذ بالله به حضرت امیر معترض می‌شدند که این چه کاریست که زن و بچه خودش را گرسنه نگه بدارد و به یتیم و اسیر

و مسکین کمک کند؟ چرا این کار را کرد؟ چراغی که به خانه روا است به مسجد حرام است.

به تعبیری دیگر؛ نسل امروز با مفاهیمی مثل ایثار، گذشت، مسلمان بودن و نوع‌دوستی آشنا نیستند؛ مثلا در همین قضیه ساخت واکسن، برخی از این کشورهایی که واکسن می‌ساختند اگر می‌خواستند به کشورهای دیگری که خیلی درگیر بودند بدهند، فوراً مردم آن کشور تجمع کرده و معترض می‌شدند که تا وقتی که واکسن خودمان را تأمین نکردیم، حق ندارید به کسی دیگر بدهید؛ این تفکر تفکری است که حتی رسانه‌ها و سریال‌های داخلی دارند برای نسل جدید ما، با منظور یا بی‌منظور، آگاهانه یا جاهلانه ایجاد می‌کنند که نتیجه‌اش این می‌شود که تمام افعال یک شخص، خودش و لذات شخص‌اش بشود، لذا مرد تا می‌بیند که همسرش درگیر بچه‌ها شده و نمی‌تواند دیگر مثل قبل به شوهرش برسد، به خودش اجازه می‌دهد برای تأمین لذتش با کس دیگری رابطه برقرار کند.

تبیین شاخصه‌های تربیتی

ما در برابر این آسیب‌ها و معضلات پیش‌آمده چه کار باید بکنیم؟ اگر می‌خواهیم با این آسیب‌ها مقابله کنیم باید از حالت انفعال خارج شویم و فعالانه عمل کنیم.

ما معتقدیم اگر می‌خواهیم یک نسلی را حداقل تا ۵۰-۶۰ سال آینده بیمه‌اش کنیم، باید از همان اول دستش را بگذاریم در دست اهل‌بیت﵈ و اگر این کار را نکنیم بدون شک بچه‌های ما آسیب می‌بینند، مسئله‌ای که قدیمی‌ترها به آن توجه داشتند و فعالانه عمل می‌کردند، مثلاً قدیم در برخی مناطق ایران وقتی بچه به دنیا می‌آمد نمی‌پرسیدند که پسر است یا دختر، بلکه می‌پرسید سینه‌زن است یا گریه‌کن، یعنی از همان اول به مجلس عزای امام حسین﵇ وصلش می‌کردند.

مرحوم حاج آقای مجتهدی معمولاً در مجالس روضه‌ای که داشتند این شعر را می‌خواندند:

من غم و مهر حسین﵇ با شیر از مادر گرفتم روز اول کآمدم دستور تا آخر گرفتم

ایـن فعـال بودن اسـت که ما نیسـتیم؛ امروزه همـه فکر و تمرکز مادرها در خرید سیسـمونی و سـت کردن اتاق بچه با وسـائل و کمد و پرده و تشـک و لحاف و از این قبیل مسـائل است؛ یـعنی کلاً دنبـال ادا بـازی هسـتیم و این نتیجه آن اسـت که امروز در هیأت‌هـا این حرف‌ها برای مخاطب گفته نمی‌شـود، این در حالی اسـت که مردم تشـنه این مباحث هسـتند. بنده بـه عنـوان کسـی کـه کار تربیتی مـی‌کنم، هیأت هم مـی‌روم و منبر هم دارم، مـی‌گویم مردم از منبرهای تربیتی استقبال می‌کنند.

ما اگر بخواهیم امروز فعالانه عمل کنیم یک راهکار داریم و آن این است که باید برای تربیت نسـل آینـده برنامه داشـته بـاشیم، باید بررسی کنیم و شـاخصه‌های مهم تربیتی را اسـتخراج کـرده و بـرای خانواده‌هایی که اولاد دارند و بچه‌هایشـان هنوز در دوره تربیت‌پذیری هسـتند تبیین نماییم.

تحمل‌پذیری در فرهنگ تربیت

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تربیتی، بحث تاب‌آوری و تحمل‌پذیری است که جزء فرهنگ دینی ما می‌باشد؛ خداوند هر پیغمبری را که می‌خواهد مبعوث کند، اول آستانه تاب‌آوری‌اش را تقویت می‌کند. شما سرگذشت زندگی حضرت آقا را ببینید؛ کتابی هست تحت عنوان «خون دلی که لعل شد» که بخشی از سرگذشت حضرت آقا از زبان خودشان در این کتاب آورده شده که وقتی انسان این کتاب را می‌خواند و سرگذشت ایشان را مرور می‌کند، متوجه می‌شود که این شخصیت چقدر در دوران جوانی‌اش سختی تحمل کرده که الان بتواند در این جایگاه قرار بگیرد و جهان اسلام را مدیریت کند.

بچه‌ای که روی تشک وگال بخوابد و بالشت الیافی زیر سرش باشد و پتوی نرمینه هم رویش کشیده شود، به جایی نمی‌رسد؛ یعنی این که از چنین بچه‌ای توقع نداشته باشید که

در آینده مصلح و اثرگذار شود، چون معمولا انسان راحت‌طلب هیچ کاری نمی‌کند و اگر دکتر و مهندس هم بشود، یک دکتر و مهندس ناکارآمد می‌شود.
امثال حاج قاسم و شهید حججی خروجی‌های چنین تربیتی نیستند؛ حاج قاسمی که ما می‌شناسیم از همان دوران قبل از نوجوانی‌اش می‌رود کرمان و کارگری می‌کند تا بتواند مشکلات اقتصادی خانواده‌اش را برطرف کند.
بنده یک رفیق داشتم به نام سردار استوار که شاید خیلی از شما هم ایشان را بشناسید؛ ایشان یکی از شخصیت‌های مؤثر در دفاع مقدس و در مبارزه با داعش، هم در سوریه و هم در عراق بودند، اواخر عمرشان هم کارهای تربیتی و مدرسه‌ای می‌کردند؛ خود ایشان برای من نقل می‌کردند که پدرشان قبل از انقلاب از خان‌های اطراف فارس و شیراز بود و تابستان‌ها که می‌شد من را با این‌که خان‌زاده بودم، برای عملگی و کارگری می‌فرستادند و به استاد بنا هم سفارش می‌کردند تا می‌توانی این بچه را به کار بگیر و اصلا ملاحظه خان‌زادگی‌اش را نکن، چون می‌خواهم مرد بار بیاید. ایشان می‌گوید هنوز که هنوز است وقتی می‌روم سر قبر پدرم، سنگ قبرش را می‌بوسم و ممنونم از پدرم که با آن کارش مرا مرد بار آورد.
امروز ما باید این مسئله را وارد فرهنگ تربیت کنیم و بدانیم که اگر نتوانیم نسل تاب‌آور و صبور بار بیاورید، بعدها حتما به مشکل برمی‌خوریم؛ مشکل ما فقط همین اغتشاشات

نیست، بلکه صحبت در مبارزه حق و باطل هست که همیشه بوده و خواهد بود و بعد از این اغتشاشات هم حتماً به یک شکل دیگری بروز می‌کند؛ اوائل انقلاب در قالب منافقین بود و بعد از آن در دوران دفاع مقدس و دوباره فتنه ۸۸ و بعد از آن هم فتنه ۹۸ و حالا هم مشکلات سال ۱۴۰۱ است؛ پس این فتنه‌ها همیشه هست و ما باید قوی بشویم. دشمن دیگر جرأت نمی‌کند حمله نظامی بکند؟ چون می‌داند که ما قدرت داریم، لذا همه سعیش در جنگ فرهنگی و تربیتی است و ما هم اگر می‌خواهیم با این افکاری که آن‌ها به نسل ما دارند القاء می‌کنند، مقابله کنیم راهی نداریم جز این که قدرت این نسل را در حوزه تربیت تقویت کنیم.



مکمل آموزش‌وپرورش

شاخصه‌های دیگری هم علاوه بر تحمل‌پذیری هست؛ مثل اراده، ولایت‌پذیری، معادباوری و.... که باید همه این‌ها را در نسل جدید تقویت کنیم و بنده اعتقادم بر این است که آموزش و پرورش به تنهایی از عهده این کار برنمی‌آید و نمی‌تواند به تنهایی، دانش‌آموز تراز تشیع و تراز انقلاب اسلامی را تربیت کند و ما در این عرصه نیاز به مکمل داریم و آن مکمل باید هیأت باشد.

ورود هیأت به این میدان نه به این صورت است که مثلا تنها کارمان این باشد که دانش‌آموزان موفق را بیاوریم هیأت و تشویق‌شان کنیم، بلکه عرض بنده این است که باید دانش‌آموزان را وارد متن هیأت کنیم و مثلا وقتی ماجرای امام حسین علیه‌السلام را برایشان می‌گوییم، ابعاد و محورهای تربیتی آن، مثل تاب‌آوری و اراده و... را تبیین کنیم و از اراده

یـاران آن حضـرت بـگوییم و روی اراده دانـش‌آموزان کار کنیم و از ماجـرای امام حسین﵇، برای دانش‌آموزان الگو معرفی کنیم و بدانیم که مردم تشنه این مباحث هستند.

مـا گاهـی اوقـات تـصور می‌کنیم که در این سـال‌های اخیر، مردم از دیـن فاصله گرفتند، اما این‌گونـه نیسـت و تجربـه خلاف آن را ثابـت کرده اسـت؛ شمـا در همان شـهر تهـران که فکر می‌کنید مشکلات دینی جدی وجود دارد، بروید و ببینید چقد از مدرسه‌های دینی استقبال می‌شود و این بیان‌گر این است که امروز مردم تشنه هستند.

اگرچـه خیلی‌هـا بـه ما نقـد می‌کنند که این مدارس دینی، غیردولتی اسـت و فقـط پول‌دارها می‌توانند از آن اسـتفاده کنند. درسـت اسـت، ولی چاره‌ای نیست! واقعاً کاری نمی‌شود کرد، نمی‌توانیم بگوییم که چون همه نمی‌توانند از این مدارس بهره ببرند پس ما هم دیگر کار نکنیم و این مدارس را تعطیل کنیم.

با همه این اوصاف، هیأت یک فضای همگانی اسـت و همه اقشـار می‌توانند از آن استفاده کننـد و اگـر هیأت‌ها در این عرصه تقویت بشـوند، کار صدتا مدرسـه غیـردولتی را می‌تواند انجام بدهد.

هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر(عج) باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...

❊❊❊

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

جامعه ایمانی مشعر

۰۲۵-۳۶۳۱۲۰۲۰
۳۰۰۰۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا(ع) است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیّت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...